

راهکارهای تربیتی تفاخر با تکیه بر خطبه قاصعه

زهرا ترکان^۱

چکیده:

بخش عظیمی از آموزه‌های اسلامی به موضوع «اخلاق» اختصاص یافته است. این فراوانی آموزه‌ها نه تنها اهمیت اخلاق را در زندگی بشر نمایان کرده، بلکه غایت رسالت پیامبر(ص) هم تکمیل این مکارم عنوان شده است. از نظر تعالیم اسلام تفاخر یک مشکل اخلاقی و اجتماعی معرفی شده که برای شناخت پیامدها و روشهای مقابله با آن به روش توصیفی و اسنادی بدست آمد که تفاخر پیامدهای زیان باری در حوزه ی فردی و اجتماعی ایجاد می‌کند. از جمله محرومیت از لطف خدا، فروپاشی اجتماعی، گسترش کینه و حسد، ایجاد تفرقه، فراموشی خدا به عنوان منعم، خود بزرگ بینی، خودخواهی، عدم انصاف و عدم رعایت حقوق دیگران در جامعه که در آیات و احادیث مذمت آن ذکر شده است

بنابراین پرورش اخلاق حسنه و تقویت ارزش های والای اخلاقی اسلامی مانند انصاف و تواضع و انفاق و اخلاص و آخرت طلبی و دیگر رفتار های ارزشی می‌تواند کمک کننده به کاهش تفاخر در جوامع مسلمین شود و امور واهی و زود گذر دنیوی معیار ارزش و عمل قرار نگیرد.

کلید واژه: تفاخر، کبر، فخر.

۱. طلبه سطح دو مدرسه علمیه فاطمیه اندان.

مقدمه:

قرآن به عنوان کامل‌ترین کتاب تربیتی و اخلاقی جامع‌ترین اهداف و روش‌های تربیتی در ابعاد و فردی و اجتماعی را مدنظر داشته است. در تعالیم اسلام تفاخر به عنوان یکی از خصوصیت‌هایی است که مورد تقبیح قرآن قرار گرفته و آن را به عنوان یکی از ویژگی‌های دوران جاهلیت و عامل سقوط انسان بیان نموده و از منظر اخلاقی، تفاخر نوعی انحراف از ارزش‌های اخلاقی جامعه به شمار می‌رود که می‌تواند به ترویج خودمحوری و بی‌توجهی به نیازها و احساسات دیگران منجر شود.

تفاخر در جامعه امروز می‌تواند به شکلی ملموس، نابرابری‌ها و حس خودکم‌بینی را در افرادی که توانایی یا امکانات مشابهی ندارند، تشدید کند. همچنین، تفاخر می‌تواند به ایجاد فرهنگی رقابتی و سطحی‌گرا دامن بزند که در آن ارزش‌های واقعی انسانی مانند صداقت، همدلی و تواضع به حاشیه رانده شوند. این رفتار علاوه بر ایجاد فشار برای رسیدن به استانداردهای غیرواقعی، تضعیف روابط صمیمانه و رشد حسادت و خصومت میان افراد را نیز به دنبال دارد و به خاطر گستردگی این دامنه به روابط میان انسان‌ها ختم نمی‌شود بلکه نسبت به خداوند متعال و نسبت به حق و نیز خود فرد نیز محقق می‌شود که لازم است روش‌های تربیتی مقابله با آن بررسی شود.

در مورد تفاخر کتب و مقالات بسیاری نگاشته شده است از جمله: مقاله «تفاخر و راههای درمان آن از منظر قرآن» (۱۴۰۱) تألیف سمیه جلیلی و دیگران که در این پژوهش به تعریف تفاخر و علل و آثار آن پرداخته و راه درمان آن در دو حیطه بینش و نگرش را بیان کرده است. مقاله «نسخه قرآن حکیم برای تفاخر» (۱۳۹۱) نوشته علیرضا کوهی تفاخر را در دو بعد فردی و اجتماعی پمورد بررسی قرار داده و نمودهای فردی و اجتماعی و علل آن دو را بررسی کرده و نسخه درمانی آن از نظر قرآن را ارائه نموده است. مقاله «تفاخر در قرآن» (۱۳۸۹) تألیف محمدرضا آرام نیز پس از تعریف تفاخر از نظر لغوی و اصطلاحی و بیان تمایز آن با تکاثر، عوامل و ریشه‌های تفاخر و ارتباط آن با دیگر رذایل و نتایج آن در دنیا و آخرت را بررسی نموده و در پایان به درمان آن پرداخته است. کتاب «رهایی از تکبر پنهان» (۱۳۹۱) نوشته علیرضا پناهیان به چیستی تکبر و انواع و آثار آن و راههای مبارزه با تکبر پرداخته است.

در هیچ یک از کتب و مقالات یافت شده به بررسی تفاخر در خطبه قاصعه پرداخته نشده است.

در این مقاله پس از بررسی مفهوم تفاخر، به انواع تفاخر با توجه به خطبه قاصعه و آثار تفاخر مذموم و برخی روش های تربیتی مقابله با آن پرداخته می شود.

مفهوم تفاخر:

تفاخر از ریشه فخر به معنای فخر فروشی و آن مباهات کردن است به زبان به واسطه چیزی که آن را کمال خود توهّم کند. و در حقیقت این نیز بعضی از اقسام تکبر است. پس آنچه دلالت بر مذمت تکبر می کند دلالت بر مذمت آثار آن نیز می کند. و آنچه به آن، علاج تکبر می شود، علاج آن نیز می شود. و آن نیز مانند تکبر، ناشی از جهل و سفاهت محض است.^۱ و مباهات به اشیاء و امور خارج از ذات^۲ که انسان آن را کمال می پندارد مانند مال، جاه، اولاد، مباهات به مکارم و محاسن. مباهات هم غالباً در حد باوریست که بیرون از وجود مباهات کننده است و از اقسام تکبر که در مذمت متکبران بیان شده است به معنی بالیدن و ادعای بزرگی کردن و در اصطلاح قرآنی به ادعا کردن و بالیدن به فضیلتی اطلاق می شود که موجب متمایز شدن مدعی از دیگران است. تکبر عظمت و رفعت و بزرگی نسب و خود را بزرگ نشان دادن و مانند آن است.^۳

«کبر» عبارت است از یک حالت نفسانیه که انسان ترفع کند و بزرگی کند و بزرگی فروشد بر غیر خود. و اثر آن اعمالی است که از انسان صادر می شود و آثاری است که در خارج بروز کند که گویند تکبر کرد. و ثمره عجب است.^۴

انواع تفاخر

تفاخر را از جهات مختلف می توان دسته بندی کرد که در ذیل به تفاخر ممدوح و مذموم پرداخته می شود.

تفاخر ممدوح:

۱. نراقی _ معراج السعاده ص ۴۲۵

۲. تفاخر در قرآن محمدرضا آرام مجله اندیشه صادق شماره ۱۵ انتشار ۶/۲/۱۳۸۸

۳. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۳۷۶.

۴. شرح چهل حدیث امام خمینی ص ۹۰.

طبق آیه ۱۱ سوره ضحی خداوند می‌فرماید: نعمت‌های پروردگارت را بازگو کن (و اما به نعمت ربک فحادث) که منظور بر شمردن نعمت بدون برتری جویی می‌باشد و گاه این بازگو کردن با عمل نشان داده می‌شود مثل انفاق و بخشش در راه خدا که نشانگر اعطای فراوان خداوند است اعم از نعمت‌های مادی و معنوی.^۱ مانند متذکر شدن فضیلت‌هایی مانند: تقوا، وفای به عهد، نماز شب، توبه، جهاد، همت بلند.

تفاخر مذموم:

فخور، کسی است که مناقب و خوبیهای خود را برای خودنمایی برمی‌شمرد. واژه «تفاخر» و مشتقاتش پنج بار در قرآن کریم آمده است:

۱. مُخْتَالًا فَخُورًا" (نساء، ۳۶)

۲. أَنَّهُ لَفَرِحَ فَخُورًا" (هود، ۱۰)

۳. لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ". (لقمان، ۱۸)

۴. الْحَيَوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌّ وَ لَهُوٌّ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ ... " (حدید، ۲۰)

۵. لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ" (حدید، ۲۳)

در تفسیرالمیزان بیان شده که واژه «فَخُور» به کسی اشاره دارد که به طور افراطی به دارایی‌ها و نعمت‌های خود افتخار می‌کند و گمان می‌کند این نعمات همیشگی و تنها به خاطر لیاقت خودش به او داده شده‌اند. این نگرش اشتباه می‌تواند به غرور و خودبینی منجر شود و فرد را از درک وابستگی واقعی به نعمت‌های الهی و ارتباط با خداوند بازدارد.^۲

تفاخر در خطبه قاصعه

خطبه قاصعه یکی از برجسته‌ترین خطبه‌های نهج‌البلاغه است که امام علی(علیه السلام) در این خطبه به گونه‌ای عمیق و تأثیرگذار یادآوری می‌کند که ارزش واقعی انسان و به ویژگی‌های درونی و

۱. ناصر مکارم شیرازی _ تفسیر نمونه ج ۲۷ صفحه ۱۰۸.

۲. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۵۳۹.

اخلاقی اوست و نه به ظاهر یا مادیات. امام علی (علیه السلام) در این خطبه به شدت بر نقد تفاخر و غرور تأکید می‌کند و مخاطبان خود را نسب به آن بر حذر می‌دارد.

امام (علیه السلام) در ابتدا به تفاخر شیطان و اعراض آن از دستور خداوند اشاره نموده و اینکه عزت و کبریایی تنها شایسته ذات اقدس آله است زیرا کسی قدرت تسلط و غلبه بر او را ندارد و کبریایی تنها مختص خداوند است ولی عزت را که به پیامبران و هرکس که بخواهد می‌دهد. (منافقون، آیه ۸)^۱

و در روایتی از از پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) به طور صریح از قول خداوند متعال می‌فرماید کبریایی ردای من است و بزرگی تن پوش من است پس هر کس بر سر یکی از این دو با من بستیزد او را در آتش افکنم.^۲

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) تفاخر را عامل اصلی دشمنی‌ها و خصومت بیان نموده و شیطان بزرگ‌ترین مانع در مسیر دین‌داری و خطرناک‌ترین و آتش‌افروزترین موجود برای دنیای شما است. او حتی از دشمنانی که با تمام قدرت علیه آن‌ها می‌جنگید، خطرناک‌تر است. مردم باید خشم خود را علیه شیطان به کار گیرید و رابطه ای خود را با او قطع کنید. به خدا قسم، شیطان به اصل و نسب شما فخر کرد و آنها را تحقیر نمود. او با لشکریان سواره به شما حمله‌ور شد و با پیاده‌نظام‌هایش راه را بر شما بست و در هر کجا که شما را بیابد، نابودتان می‌کند. به خدا سوگند! از تکبر و خودبزرگ‌بینی و تفاخر جاهلی برکنار باشید، که موجب کینه و رشد وسوسه‌های شیطانی است و ملت‌های گذشته را فریب داده تا در تاریکی جهل غرق شوند و به آسانی به نقطه‌ای که شیطان می‌خواست، کشیده شوند. تفاخر، دل‌های متکبران را شبیه به هم ساخته و قرن‌ها آن‌ها را به تضاد و خشونت کشانیده و سینه‌ها را از کینه‌ها پر کرده است.

یکی دیگر از نتایج تفاخر مذموم، تحقیر مردم و نادیده گرفتن عزت و کرامت آنان است. مطلبی که در این آیه آمده است: «فقال لصاحبه و هو يحاوره: أنا أكثر منك مالاً وأعز نفراً»، که این خودبزرگ‌بینی و کوچک شمردن دیگران، نتیجه تنعم و بهره‌مندی از وفور نعمت‌ها است. این آیه نشان‌دهنده این است که برای دنیاپرستان، ثروت زیاد و عزت اجتماعی بالاترین ارزش محسوب

۱. مصباح یزدی، زینهار از تکبر، ص ۳۴.

۲. دیلمی، ارشاد القلوب آل الثواب، ج ۱، ص ۱۹۸.

از جمله عواملی که باعث افزایش صبر می‌شود عبارتند از: آگاهی از اقتضا زندگی دنیا _ آگاهای از درماندگی نفس انسان _ باور به فرج در کارها _ اطلاع از سرنوشت صابران _ یاری خواستن از خداوند.

از جمله عواملی که در تعارض با صبر هستند و باید نفس خود را از صفات منزّه داشت مواردی مانند: شتاب زدگی و تعجیل _ تنگی سینه _ خشم و غضب باید اشاره کرد.

● بهترین الگو و نمود انسان تراز:

در بخش پایانی این خطبه، حضرت به شرح ویژگی‌های پرهیزکاران پرداخته و خود را نیز در شمار آنان معرفی می‌کند. این رویکرد با هدف تقویت و تأثیرگذاری بیشتر سخنان برای راهنمایی مردم به مسیر هدایت انجام می‌گیرد. چرا که وقتی مخاطب به جایگاه علمی، بینش عمیق و پرهیزکاری گوینده آگاه باشد، با دقت و جدیت بیشتری به مفهوم گفته‌های او توجه خواهد کرد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱_ هراس نداشتن از هیچ ملامتی در راه خدا

زیرا هنگام انجام وظیفه، ممکن است این وظایف با دیدگاه‌ها و خواسته‌های بخشی از جامعه ناسازگار باشند. در این شرایط، افراد سودجو و عافیت‌طلب یا ترسو ممکن است از انجام وظایف خود عقب‌نشینی کنند تا از تیرهای ملامت و انتقاد در امان بمانند. اما انسان خداجو کسی است که حتی اگر همه مردم راه نادرستی را در پیش گیرند، او با دیدن راه درست، بدون هراس آن را دنبال می‌کند و رضایت خدا را بر رضایت دیگران ترجیح می‌دهد.^۱ در صدر چنین افرادی، امیر مؤمنان علی(علیه‌السلام) - پس از پیامبر اکرم - قرار داشت و این ویژگی در اهل بیت عصمت برجسته بود. از مثال‌های بارز آن می‌توان به امام حسین علیه‌السلام و قیام او در کربلا اشاره کرد.

۲_ راستگویی و صداقت

امام علی(علیه‌السلام) می‌فرماید: چهره‌شان، چهره‌ی راستگویان و سخنان‌شان، سخن نیکوکاران است.^۲

۱. مائده، آیه ۵۴.

۲. خطبه ۱۹۲.

«صدّیقین» همان راستگویانی هستند که در صف نخست تصدیق‌کنندگان پیامبران قرار دارند و اعمال‌شان، سخنان‌شان را تأیید می‌کند نیز در کنار پیامبران ذکر شده‌اند، آنجا که می‌فرماید: پس آنان با کسانی خواهند بود که خدا بر آن‌ها انعام کرده با پیامبران و راستگویان چهره‌شان، چهره‌ی راستگویان و سخنان‌شان، سخن نیکوکاران کاران است.^۱

«ابرار» کسانی هستند (انسان هجده ویژگی برای آن‌ها ذکر شده است). این صفات، آنان را به بالاترین مقام قرب الهی می‌رساند و همانطور که می‌دانیم، این اوصاف درباره پنج تن آل عبا بیان شده است.

۳_ شب زنده داری

در ادامه، در توصیف، امام(عیه السلام) می‌فرماید: «آنان شب‌ها را با عبادت آباد می‌کنند و در مسیر هدایت مردم روشن‌گر روزها هستند.

(تعبیر «عمّار» که جمع «عامر» به معنای آبادگر است) شب‌زنده‌داری و عبادت‌های شبانه، روح و جان انسان را آباد و به آن صفا و روحانیت می‌بخشند و دل‌های مرده از گناه را با آب حیات‌بخش توبه زنده می‌سازند. (تعبیر «منار» نیز اشاره به برج‌های بلندی دارد که در گذشته در مسیر راه‌های بیابانی قرار می‌دادند و بر فراز آن‌ها چراغی روشن می‌کردند تا مسافران گمراه نشوند). آری، این گروه مانند آن برج‌ها، مردم را در مسیر راه به سوی خدا، سعادت و خوشبختی راهنمایی می‌کنند تا به بیراهه‌ها نیفتند و گرفتار مشکلات نشوند.

۴_ احیا کننده سنت خدا و رسول خدا

از کسانی که دست به ریسمان قرآن زده و سنت‌های خدا و رسولش را احیا می‌کنند: عمل کردن به واجبات الهی که در قرآن آمده و فرایضی است که پیامبر فرض نموده است؛^۲ نه فقط عمل کردن، بلکه دعوت عامه مردم به سوی آن نیز لازم است.

۵_ عدم تکبر

۱. نساء، آیه ۶۹.

۲. حدیث متواتر ثقلین.

تکبر نمی ورزند و برتری جویی ندارند، خیانت نمی کنند و فساد به راه نمی اندازند: این چهار خصوصیت در واقع با یکدیگر ارتباط دارند؛ افراد مستکبر دائماً به سوی برتری جویی می روند و برای رسیدن به اهداف نامشروع خود دست به خیانت و فساد می زنند، قرآن مجید می گوید: شاهان جبار هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند، آنجا را به فساد می کشند.^۱ و نیز می فرماید: این سرای آخرت را تنها برای کسانی قرار می دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد را ندارند.^۲ اینجاینت به صورت مطلق بیان شده به معنای خیانت در اخلاق و اموال و عقاید و تمام شئون زندگی است.

۶_ دل‌هایشان در بهشت و بدن‌هایشان در میدان عمل است

پرهیزکاران جز به رضای خدا و بهشت جاویدان او نمی اندیشند و به همین دلیل بدن‌هایشان پیوسته در مسیر طاعت حق و عمل به وظایف الهی و انسانی است و این هدف آنها بسیار والاست.

نتیجه گیری:

قدم نهادن در راه تربیت نیازمند شناخت کامل اصول تربیت و به کار بردن روش های درست است تا آن تأثیر و تربیت مد نظر حاصل شود. تفاخر یکی از عوامل سقوط انسانی و منشأ بقیه معاصی است که نباید از آن غافل شد و هشدار بسیاری در آموزه های دینی نسبت به آن گوشزد شده است و باید درصدد رفع و اصلاح آن برآمد. از جمله راههایی که در آیات و روایات و سیره اهل البیت برای رهایی از تکبر بیان شده است: عبرت گیری از اقوام گذشته و بیان داستان های قرآنی و تأمل در آن ها جهت ارائه الگوی انسانی، پیروی و صرف نیروی فطری در راه درست و مقابله با رذایل مذموم است.

حاصل این پژوهش این است که انسان برای ره یافتن به مدارج عالی ایمان باید از هرچه محبوب خدا نباشد مانند تکبر و تفاخر و رها شود و در ره رو این راه انسان پر مشقت بدون الگو و رهنما نمی تواند از منبع عظیم وحی برخوردار شود و طی طریق کند و به راه و عملکردی رسد که عاری از هرگونه تکبر، تفاخر، سبک مغزی و دارنده تمام ملاکهای اخلاقی باشد زیرا انسان منهای خدا و

۱. نمل، آیه ۳۴.

۲. قصص، ۸۳.

برنامه‌ای که پرودگار برای او نازل کرده است توانایی رسیدن به سعادت را نداشته و این امری انکار ناپذیر است. پس باید انسان از غربال‌هایی که خدا قرار داده عبور کند نه از آنچه خود می‌پندارد.

فهرست منابع:

* قرآن کریم، ترجمه ابوالفضل بهرام پور.

* نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، تهران: آدینه سبز، اول، ۱۳۸۵.

۱. پناهیان، علیرضا، رهایی از تکبر پنهان، تهران: انتشارات بیان معنوی، چاپ چهاردهم، تابستان ۱۴۰۰.

۲. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۷، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ ششم، تابستان ۱۳۹۲. ش.

۳. دیلمی، حسن بن ابن ابی الحسن محمد، ترجمه ارشاد القلوب، ج ۱، قم: انتشارات ناصر، پاییز ۱۳۷۶.

۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، تهران: المکتبه المرتضیه لاحیاء آثار الجعفریه، چاپ چهارم، ۱۳۸۳.

۵. سبحانی نیا، محمد تقی، قرآن کتاب اخلاق، ج ۱، قم: سازمان چاپ و نشر موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، بی تا.

۶. سعادت‌مند، رسول، فرهنگ خودسازی و خدمت‌رسانی از دیدگاه امام خمینی قدس سره، قم: چاپ دوم، تسنیم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۶.

۷. شاملی، نصرالله، معناشناسی واژه‌های اخلاقی نهج‌البلاغه، اصفهان: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم شعبه اصفهان، چاپ اول، بهار ۱۳۹۱.

۸. فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، ترجمه و شرح نهج‌البلاغه، تهران: بی نا، ۱۳۶۱.

۹. قاسمی، حمید محمد، روشهای تربیتی در داستان‌های قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۸.

۱۰. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، قم: دارالحديث، العلمیه و الثقافیه، چاپ دوم، ۱۳۸۸ ه.ش.

۱۱. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس فی شرح القاموس، بیروت: الدارالهدایه، ۱۳۸۵ ق.

۱۲. مصباح یزدی، محمد تقی، زینهار از تکبر، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمت الله)، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۶.

۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، ج ۳، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۴.

۱۴. _____، پیام امام امیر المومنین علیه السلام، ج ۷، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۹۰.

۱۵. _____، تفسیر نمونه، ج ۲۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۲۷، ۱۳۸۱.

۱۶. موسوی خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۹۴.

۱۷. نراقی، احمدی محمد مهدی، معراج السعاده، تهران: حوزه علمی اسلام، ۱۳۴۸.

مقالات:

۱۸. مشایخی، شهاب الدین، اصول تربیت از دیدگاه امام علی (ع)، مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۲۷، ۱۳۸۶.